

مولفه های حکمرانی خوب در گستره مدیریت شهری از منظر حقوق عمومی

داوود آمدی^۱

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

نام و نویسنده مسئول:

داوود آمدی

چکیده

حکمرانی خوب یکی از مفاهیمی است که به تازگی در عرصه جهانی مطرح گردیده است که با طرح مولفه هایی همچون مشارکت، شفافیت، حاکمیت قانون، اثر بخشی و کارایی الگویی برای توسعه پایدار انسانی و سازوکار تعامل عملی سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. از جمله مدخل های مهم اعمال این روش زمامداری در حوزه مدیریت شهری است که اصولاً فرایندی است که براساس کنش متقابل میان سازمانها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک سو و سازمانهای غیردولتی و تشکلهای جامعه ی مدنی، از طرف دیگر شکل میگیرد اهمیت و آثار حقوقی تحقق حکمرانی خوب در حوزه مدیریت شهری از یک سو ناشی از ارتباط این حوزه به حقوق بشر و حقوق شهروندی و از سوی دیگر توسعه پایدار است بررسی روند و تأثیر و تأثر این ایده در حیطه مدیریت شهری و تحلیل ابعاد حقوقی از منظر حقوق عمومی موضوع پژوهش حاضر است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، مدیریت شهری، حاکمیت قانون، پاسخگویی و شفافیت، توسعه

پایدار شهری

مقدمه

نقطه تلاقی و ارتباط حوزه حقوق عمومی و مدیریت شهری در پرتو حکمرانی خوب، در تحقق حکمرانی خوب شهری و همچنین تحقق توسعه پایدار شهری طی آن روشن می شود به این معنی که مولفه های حکمرانی خوب در حوزه حقوق عمومی و مدیریت شهری عموماً در نحوه مدیریت عمومی شهر و همچنین تحقق اهداف و سیاست های عمومی متجلی خواهد شد.

اغلب اندیشمندان و صاحب نظران بر این باورند که حکمرانی و مدیریت خوب یکی از شروط لازم و کافی برای پیشبرد برنامه های توسعه پایدار شهرها و کشورها به حساب می آید. الگوی نظری حکمرانی خوب و به ویژه حکمرانی خوب شهری در تلاش برای صورت بندی بهترین شیوه های اداره و مدیریت شهری است اهمیت حفظ تعادل بین نیازهای نسل امروز و آینده از طریق توسعه پایدار، تغییر رویکردی را در مدیریت شهری و ارائه خدمات شهری به وجود آورده است.

این تغییر رویکرد به ورود مفاهیمی همچون حکمرانی خوب شهری انجامیده است که بعنوان کاراترین و اثربخش ترین شیوه اداره شهرهای امروزی مطرح شده است. این رویکرد در اداره شهرها بر مبنای توسعه پایدار مردم سالار و برابر خواهانه، برای تأثیرگذاری تمامی کنشگران در مدیریت شهری و همچنین پاسخگویی به تمامی نیازهای شهروندان است.

از این رو در این فصل برآنیم ابتدا با مروری بر مفهوم حکمرانی خوب شهری، نحوه پیدایش و مولفه های آن در حوزه مدیریت شهری و از منظر حقوق عمومی پرداخته و پس از آن به حوزه دیگر ارتباط حکمرانی خوب و مدیریت شهری که همان تحقق توسعه پایدار به عنوان یکی از سیاست های کلی کشور است بپردازیم و لازم به اشاره است که با توجه به محدودیت موضوع، مباحث بیشتر معطوف به نگرش حقوقی به ویژه حقوقی به مطالب است و در هردو حوزه به ابعاد حقوقی تأثیر مولفه های حکمرانی خوب و حکمرانی خوب شهری خواهیم پرداخت

مبحث اول: تحقق حکمرانی خوب شهری در پرتو تئوری حکمرانی خوب:

حکمرانی خوب شهری از جمله مفاهیمی است که با مشارکت شهروندان و تغییر نقش و کارکردهای دول محلی همراه است. از منظر سیستماتیک، حکمرانی فراتر از حکومت بوده و مبین وجود ساختارهای داخلی و خارجی مبتنی بر قدرت سیاسی و اقتصادی است که از طریق این ساختارها مشکلات مربوط به کمبود منابع، تولید و توزیع سامان می یابد. از مهمترین مباحث مربوطه در این دیدگاه، تغییر نقش دولت از یک تأمین کننده به توانمند ساز است. در این مقاله تلاش میگردد تا با بررسی ابعاد مختلف حکمرانی خوب شهری، پیش زمینه های تبدیل شهرداری به یک نهاد توانمندساز اجتماعی در عوض تأمین کننده کالاها و خدمات مورد نیاز شهروندان از طریق مشارکت خود ایشان واکاوی گردد.^۱

گفتار اول: گذر از مدیریت شهری به سمت حکمرانی خوب شهری:

از نظر تاریخی، دولتها همواره نقش منحصر به فرد و مقتدرانه در هدایت و رهبری جوامع شامل منابع انسانی و طبیعی برعهده داشته اند. به اعتقاد بسیاری از دانشمندان مدیریت دولتی، دولتها همواره از ابزارهای قهری، اجباری و یا فقط گاهی غیرقهری در مدیریت مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای متبوع خود بهره جسته اند.^۲

با فرا رسیدن دهه ۱۹۸۰، تفکرات سنتی به شکل اساسی مورد تردید قرار گرفت، و در دهه ۱۹۹۰ پراپایم های کاملاً متفاوتی مطرح شد. در حالی که در دهه ۱۹۷۰ «دولت بزرگ» طرفدار داشت، در دهه ۱۹۸۰ شعار «کوچک زیباست» مطرح شد و در دهه ۱۹۹۰، ایده «دولت کارساز» مطرح گردید.^۳

برایان مک لالین اولین نظریه پردازی است که در سال ۱۹۷۳ مفهوم حکمرانی خوب شهری را مطرح کرد.^۴ از نظر او "حکومت شهری" باید نسبت به روندهای تغییر در شهر پاسخگو تر باشد، اقداماتش با مسائل شهری و تحول آنها متناسب تر باشد، نسبت به اجتماع مسئول و پاسخگو تر و بعنوان بخش مهمی از نظام یادگیری اجتماعی بهتر عمل کند و سرانجام نقش مهمی در پیش بینی، کشف و استقبال

^۱ رستگار سید حامد، محملى حمیدرضا، حکمرانی خوب شهری ابزاری برای تغییر کارکرد شهرداریها، ارائه شده در همایش: (نقش و جایگاه مدیریت محله و شوراییاریها در ارتقای مشارکت اجتماعی، تهران - اداره کل مطالعات اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران - ۲۹ آبان سال ۱۳۸۹، مجموعه مقالات منتشره در سایت: www.civilica.ir ص ۷

^۲ شیروانی علیرضا، راهکارهای حرکت از مدیریت دولتی نوین (NPM) به طرف حکمرانی خوب، پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت، تهران - گروه پژوهشی آریانا - ۲۹ آذر سال ۱۳۸۶، مجموعه مقالات منتشره در سایت: www.civilica.ir ص ۱

^۳ شیروانی، علیرضا، پیشین، ص ۲

^۴ کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید، «امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها»، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، جلد های سوم و چهارم، چاپ اول. (۱۳۸۳) ص ۵

از آینده ایفا کند. این فرایند ها به وجود شبکه ارتباطات در داخل سازمانهای رسمی حکومت و نظامهای برنامه ریزی آن و همچنین شبکه ارتباطات میان آن سازمانها و اجتماع و نظام های شهری آن بسیار متکی است^۱

تحولات اخیر در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فضای نواحی شهری، با تغییری در شیوه اداره شهرها همراه شده است که در متون مرتبط با بازساخت سیاسی شهرها، این نوع تحولات اغلب به عنوان حرکت از حکومت به حکمرانی تعریف می شود. اما با توجه به تفاوتی که میان این دو مفهوم وجود دارد نمی توان به منظور توجیه حرکت، واژه حکمرانی را جایگزین مفهوم حکومت کرد.^۲

این دگرگونی کسترده، تجدید نظری ساده یا تغییری جزئی در شیوه مدیریت نیست، بلکه تغییری همه جانبه در نقش مدیریت جامعه و رابطه بین دولت و شهروندان است. در حال حاضر، حکمرانی خوب تبدیل به موضوعی داغ در مدیریت بخش عمومی شده است، و این به واسطه نقش مهمی است که حکمرانی در تعیین سلامت اجتماع ایفا می نماید. حکمرانی را می توان «نفوذ هدایت شده در فرایندهای اجتماعی» تعریف کرد که مکانیسم های مختلفی در آن درگیر هستند؛ در اصل حکمرانی متوجه ابعاد استراتژیک تر هدایت است، یعنی اتخاذ تصمیمات کلان تر در خصوص نحوه هدایت و نقشها.^۳

در این رابطه و متأثر از همین تئوری های مدیریت نوین، در بخشی شهری نیز همانطور پیداست نظام مدیریت شهری بایستی دارای مولفه هایی چون شفافیت، پاسخگویی مشارکت طلبی، قانون مداری، کارآمدی و اجماع گرایی باشد تا از تمام شرایط افزایشده شهرنشینی، بهره گیرد.^۴ شدت یافتن روز افزون مقیاس و گستردگی و نیز پیچیدگی مسائل شهرها و همچنین آشکار شدن بی کفایتی سیستمهای سنتی بروکراتیک و تصمیم گیری بالا به پایین سبب شده است، گرایشی به سوی سیستم هایی به وجود آید که در آن تصمیمات بزرگ و کوچک با اشتراک بین صاحبان منافع شهری اتخاذ می گردد. جامعه جهانی امروز به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری، کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست، بلکه پیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است.

به عبارت دیگر، حکمرانی شهری کلیه واژه ای جدید است و با اشکال قدیم حکومت از این جنبه متفاوت است که دست اندرکاران مدیریت تنها بخش عمومی نیستند بلکه بخش خصوصی و گروه های داوطلب نیز در امیر مدیریت دخیل اند. این عاملان در شبکه های مدیریت و مشارکت هایی که عموماً مستقل از دولت اند دخالت دارند انواع مختلف همکاری و مشارکت در این زمینه به گروه های تقسیم می شود.^۵

حکمرانی شهری به عنوان متاخرترین و مناسب ترین رویکرد و به عنوان زمینه ساز تحقق توسعه پایدار شهری از طریق تسهیل اجرای برنامه های توسعه شهری، مطرح می باشد. در واقع مدیریت شهری کارآمد مدیریتی است که منجر به حکمرانی خوب شهری گردد. منشأ قدرت و مشروعیت در حکمرانی شهری، تمام "شهروندان" و حضور آنها در همه صحنه ها و ارگان "جامعه مدنی" است.

به عبارتی حکمرانی خوب به این معناست که تمام طرفها، گروهها و سازمانهای درگیر و مردم محل با یکدیگر همراه گردند و همه به نحوی در برنامه ریزی و مدیریت دخیل شوند.^۶ شیوه درست و هنجاری حکمرانی این است که باید بتواند مشارکت و همکاری میان همه نیروهای موثر در مدیریت جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی، بخش عمومی و تشکل های مردمی برقرار کند. حکمران شهری امروز متناسب با ویژگیهای حکمرانی خوب که شامل مشارکت، قانون مداری، شفاف سازی، انعطاف پذیری، وفاق محوری، عدالت، کارآمدی و پاسخگویی می باشد، این رویه را نوید می دهد که فساد به حداقل برسد، دیدگاههای اقلیت مورد توجه قرار می گیرد و صدای آسیب پذیرترین اقشار در تصمیم سازی ها شنیده شود. با توجه به رهیافت فوق، حکمرانی خوب یک نقطه ایدآل است که تحقق آن در شهر که به مبانی مدیریتی جدید همراه می باشد

^۱ برک پور، ناصر، و ایرج اسدیمدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه هنر. (۱۳۸۸)، ص ۱۷

^۲ لاله پور، منیژه، حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه ی جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ - ۲۰ بهار، ص ۶۲

^۳ شیروانی، علیرضا، پیشین، ص ۲

^۴ شریفیان ثانی، مریم، شهروندی، حکمرانی شهری، و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، ص ۴۲

^۵ لاله پور، منیژه، حکمرانی شهری در چارچوب سیاستگذاری شهرهای بزرگ، شهرداریها سال ششم دی شماره ۷۵، ص ۱۱

^۶ زیاری، کرامت اله نیک پی وحید، حسینی علی، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، بهار ۱۳۹۲، ص ۷۰

^۷ لاله پور، منیژه، حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، پیشین، ص ۶۳

گفتار دوم: پاسخگویی و مشارکت در چارچوب مدیریت شهری و حکمرانی خوب شهری:

حکمرانی خوب شهری عبارت از: هدایت و مدیریت صحیح و کارآمد جامعه شهری در چارچوب حاکمیت قانون، تصمیم گیری منطقی و عادلانه همراه با پاسخگویی و مسئولیت پذیری، مشارکت عمومی است. بدیهی است که در تحقق این امر، تعامل شهروندان و اصناف و گروهها با حکمرانان و مسئولان، ضروری است. آنچه امروزه، در اداره امور شهر مورد توجه و تأکید قرار میگیرد و به عنوان پارادایمی در مدیریت شهرها معرفی می-شود؛ بهره گیری از الگوی حکمرانی خوب شهری است که در آن دولت، شهروندان و نهادهای خصوصی در یک جریان افقی و فرابخشی به مشارکت میپردازند. در این بستر است که می توان امیدوار به حل مشکلات و معضلات ساختاری و کارکردی شهرها بود.^۱

مفهوم حکمرانی خوب کاملاً متأثر از مدیریت دولتی نوین است. پاسخگویی یکی از مهمترین مفاهیم در مدیریت دولتی نوین است، تئوری که با تأکید بر قراردادهای خودمختاری و اهمیت بازارمحوری و مشتری محوری در صدد ایجاد انقلاب در مدیریت دولتی است. به نظر میرسد چالش فراروی مدیران شهری به کار بستن این تئوری میباشد. اصطلاحات مهم و اساسی در عبارتند از: خودمختاری، پاسخگویی، مشتری مداری و بازار محوری.

از این رو متأثر از این تئوری، مدیریت دولتی در معرض دگرگونی ها و تحولات چشمگیری قرار گرفته است. تغییر و تحولات محیطی، ذهنی، فرهنگی و دانشی، مدیریت دولتی را در شرایطی قرار داده است که ادامه حیات آن جز با مدیریت صحیح این تحولات میسر نیست، مدیریتی که نیاز به تحول ذهن و اندیشه مدیران و تغییرات ساختاری در خود دارد تا بتواند بر چالش های پیش روی خود غلبه نماید یعنی یک مدیریت پویا و متکی بر اراده ملی جهت اصلاح ساختارها و فرآیندها از این رو، ابداعات خارق العاده تکنولوژیک به ویژه در بعد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، ایجاد سازمان های دانشی مبتنی بر تربیت کارکنان دانشی، جهانی شدن، تنوع و نفوذ فرهنگی و کاهش اعتماد به نهادهای دولتی از مهم ترین چالش هایی است که مدیریت دولتی با آن ها روبرو است.^۲

ابعاد کلیدی برای حکمرانی شهری توسط بانک جهانی این گونه معرفی شده اند:^۳

۱-مدیریت بخش عمومی

۲-پاسخگویی

۳-چارچوب قانونی برای توسعه

۴-شفافیت و اطلاعات

براساس تغییر و تحولاتی که در رویکردهای اداره شهرها و ظهور رویکردهای مشارکت و اجتماع محور روی داده است می توان دو ویژگی عمده را برای حکمرانی خوب شهری برشماری کرد:

۱ - تأکید بر ارزش های اجتماعی و فرهنگی و ۲ - تأکید بر مبانی توسعه پایدار شهری که بر روی هم ارتقاء کیفیت زندگی شهری، رفاه و عدالت اجتماعی را مدنظر دارد.^۴

با عنایت به این مقدمات و همچنین توجه به ملاحظات حاکم بر آن در حوزه مدیریت شهری و نسبت به مدیریت رابطه شهروندان و مسئولان شهری همچنین در نظر گرفتن ابعاد حقوقی چنین رابطه ای بدیهی است مولفه های حکمرانی خوب در حوزه مدیریت شهری مشمول ملاحظات که در ادامه برآیند مهمترین این مولفه ها را که درحوزه مدیریت شهری موثرند مورد تحلیل قرار دهیم.

بند اول: اول پاسخ گویی مدیران شهری در رابطه با عملکرد:

پاسخگویی و حسابدهی از ویژگی های حکمرانی خوب است. به این معنی که کلیه نهادها و مؤسسات اعم از دولتی، عمومی و خصوصی باید پاسخگوی مردم و همچنین مؤسسات ذینفع باشند. در مجموع باید سازمان و مؤسسات به کسانی که از تصمیمات آن اثر می پذیرند پاسخ دهند و این پاسخگویی مستلزم رعایت قوانین و شفافیت است. پاسخ گویی شرط اصلی حاکمیت خوب است. نه تنها نهادهای حکومتی بلکه حتی بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی نیز باید به عموم مردم و نهادهای ذی نفع پاسخ گو باشند. این که چه کسی به چه کسی پاسخ گو است بستگی دارد به این که آیا تصمیمات یا اقدامات اتخاذ شده در یک سازمان یا مؤسسه، درونی یا بیرونی هستند یا نه.

^۱ تقوایی علی اکبر تاجدار رسول، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی، مدیریت شهری شماره ۲۳، ۱۳۸۸، ص ۴۸

^۲ شیروانی علیرضا، پیشین، ص ۷

^۳ Abdellatif, M, Good Governance and Its Relationship to Democracy and Economic Development, Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity Seoul 20-31 may 2003. P:14

^۴ برک پور، ناصر، و ایرج اسدی، مدیریت و حکمرانی شهری، انتشارات دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۸۸، ص ۴۷

به طور کلی یک سازمان یا مؤسسه به کسانی پاسخ گو خواهد بود که از تصمیمات یا اقدامات آن متأثر می‌شوند. پاسخ گویی را نمی‌توان بدون شفافیت و حاکمیت قانون اعمال کرد.

پاسخگویی یکی از چالش‌هایی است که دولت‌ها با آن مواجه‌اند. دولت‌ها بایستی نسبت به سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. هر دولتی نیازمند یک سیستم پاسخگو است و لازمه مردم‌سالاری، داشتن یک سیستم پاسخگو بی‌مناسب است. سازمان‌های دولتی توسط مردم و برای مردم ایجاد می‌شوند و می‌بایست در برابر آن‌ها پاسخگو باشند. پاسخگویی در چارچوب الگوی حکمرانی خوب تضمینی است برای این که مدیریت دولتی با بیش‌تری ن درجه ممکن از کارایی، کارآمدی، تأثیرگذاری، تناسب، آینده‌نگری و تدبیر به سوی اهداف ملی پذیرفته شده حرکت کند.^۱

دستیابی به نظام پاسخگویی مناسب از اهداف کلی اکثر اصلاحات بخش دولتی است. هر صاحب‌نظری به فراخور برداشت، تجربه و تحلیل خود، جنبه‌های مشخصی از آن را بررسی می‌نماید. نظام پاسخگویی اشاره به مسئولیت‌ها، نتایج و پیامدهای خاص آن دارد.^۲

الف: مبانی پاسخ‌گویی از منظر مدیریت دولتی:

برای حفظ بقا باید استراتژی‌های مناسب در چارچوب حکمرانی خوب و مبتنی بر اصل پاسخگویی اتخاذ نمود. ضمن اینکه جایگزینی استراتژی شهروندمحوری به عنوان یک بعد برون‌بوروکراسی به جای پرداختن صرف به مسایل درون‌بوروکراسی و ایجاد دیدگاه مشارکت جویانه به جای دیدگاه سلسله‌مراتبی در دنیای معاصر خود شاهدهی بر مدعای ما مبنی بر ضرورت پاسخگویی است.^۳

دو نوع پاسخگویی در مورد شرکتهای دولتی باید مد نظر قرار گیرد. اولین نوع آن، در ارتباط با رابطه میان تأمین‌کننده حقیقی خدمات و نوع دوم آن مربوط به پاسخگویی پرسنل درون سازمان است و از آن به عنوان پاسخگویی مدیریتی یاد میشود. پاسخگویی در رابطه با این است که چه کسی مدیریت مسئولیت عملکرد ناشی از تصمیمات را بر عهده می‌گیرد. پاسخگویی درونی و بیرونی پیرو یک منطقند که در آن پاسخگویی درونی بر پایه ارتباط میان اختیار قانونی با مسئولیتها و اهداف عملکردی بنا نهاده شده است. پاسخگویی عمومی لازمه عملی کردن فرایند حکمرانی خوب محسوب می‌شود. این مفهوم پاسخگویی عمومی، تصویری از امانت‌داری، وظیفه‌شناسی، عدالت، شفافیت، تلاش برای بهبود و شایستگی اخلاقی مدیران دولتی را ارایه میکند و ارتقای آن مدیران دولتی را در برابر انتقادات مصون می‌سازد و جلوه‌هایی از دموکراسی را به نمایش می‌گذارد.^۴

ابعاد پاسخگویی مدیران دولتی شامل پاسخگویی سازمانی، سیاسی، اداری، قانونی و حرف‌های است و پاسخگویی سیاسی بر پیچیدگی پاسخگویی بخش عمومی در مقایسه با بخش خصوصی می‌افزاید. مدیران دولتی باید در پنج سطح راهبرد، برنامه‌(اثربخشی)، عملکرد(کارایی) و صرفه اقتصادی، فرایند(برنامه‌ریزی، تخصیص و اداره امور) و التزام و مشروعیت(رعایت مقررات) پاسخگو باشند. تلاش جهت افزایش سطح پاسخگویی در جامعه از طریق افزایش اطلاعات در دسترس عموم و به تبع آن افزایش سطح پاسخ‌خواهی مردم، انتظارات برای بهبود خدمات بخش عمومی را افزایش داده و فشار ناشی از آن منجر به اصلاح بخش عمومی می‌شود.

از دیدگاه حکمرانی خوب، مدیران دولتی باید در زمینه‌های مختلفی پاسخگو باشند یعنی آن‌ها در برابر دیدگان دیگران قرار دارند. چشم‌های زیادی عملکرد مدیران دولتی را می‌بیند، مهم آن است که مدیران دولتی به چه کسی باید پاسخ دهند و پاسخ‌خواهان با چه معیاری در مورد عملکرد آن‌ها قضاوت می‌کنند. در یک سیستم مبتنی بر حکمرانی خوب و مردم‌سالاری، مدیران دولتی دست کم با پنج نوع پاسخ‌خواهی روبه‌رو هستند که در برابر هر کدام باید بر اساس هنجارها و انتظارات متفاوتی پاسخگو باشند.^۵

ب: انواع پاسخ‌گویی نهادهای دولتی:

اول) پاسخگویی سازمانی:

مهم‌ترین وجه پاسخگویی مدیران دولتی، پاسخگویی سازمانی است. مدیران ارشد سازمان‌ها گاهی اوقات به صورت رسمی نظیر بررسی گزارش عملکرد سالانه و در بیش‌تر موارد در جلسات غیررسمی روزانه از طرف مسئولان بالاتر خود مورد سؤال قرار می‌گیرند و باید در مورد تکالیف خود پاسخگو باشند. این نوع از پاسخگویی برای سلسله‌مراتب سازمانی تعریف پذیر است. البته این پاسخگویی عمومی نیست زیرا صورتحساب‌ها و بخش‌زادی از اطلاعات در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد

^۱ آرای وحید، نظام پاسخگویی مطلوب در مدیریت دولتی با تأکید بر مدل حکمرانی خوب، دانش‌ارزیابی، سال سوم، شماره ۱۰،

۱۳۹۰، ص ۸۵

^۲ رفیع زاده بقرآباد علاءالدین، پاسخگویی؛ ابزارها و استانداردها، ماهنامه تدبیر-سال پانزدهم-شماره ۱۴۶، ۱۳۸۶، ص ۵۸

^۳ آلوانی، سید مهدیافق‌های نو در مدیریت دولتی «، مدیریت دولتی، شماره ۵۰، ۱۳۷۹، ص ۱۷

^۴ آرای وحید، پیشین، ص ۸۷

^۵ آرای وحید، پیشین، ص ۹۵

دوم) پاسخگویی سیاسی:

پاسخگویی سیاسی مدیران دولتی در نظام های پارلمانی از حقایق مهم زندگی آن ها است به عنوان مثال، وزرا در مجلس حاضر میشوند و به سئوالات نمایندگان پاسخ می دهند. شخصیت متغیر و ناشناخته نمایندگان مجلس این نوع پاسخگویی را برای مدیران دولتی بسیار سخت می کند همچنین مجلس می تواند عملکرد وزارتخانه ها و سازمان های دولتی را مورد تحقیق و تفحص قرار دهد.^۱

سوم) پاسخگویی قانونی:

مدیران دولتی را می توان برای پاسخگویی در برابر اعمال آن ها به دادگاه فراخواند. پاسخگویی قانونی آشکارترین نوع پاسخگویی است زیرا رسیدگی قانونی بر اساس استانداردها و موازین قانونی صورت می گیرد.^۲

چهارم) پاسخگویی اداری:

حسابرسان، بازرسان و ذیحسابان بعد از دادگاه ها پاسخ خواهی شبه قانونی دارند و به صورت مستقل به نظارت بر مسایل مالی و عملیاتی (کارایی و اثربخشی) می پردازند. بنابراین مدیران دولتی باید در برابر این پاسخ خواهی که بر اساس معیارهای خاصی صورت می گیرد، پاسخگو باشند.

پنجم) پاسخگویی حرفه ای:

برخی از مدیران دولتی افراد حرف های و متخصص هستند و باید استانداردهای حرفه ای را رعایت کنند، آن ها ممکن است از طرف انجمن های حرفه ای در مورد رعایت استانداردهای حرف های مورد سؤال قرار گیرند و باید استانداردهای حرفه را رعایت کرده و پاسخگو باشند (پاسخگو باشند)

همچنین پاسخگویی مدیران دولتی ممکن است شامل سطوح زیر باشد:^۳

الف) پاسخگویی راهبرد: مدیران دولتی باید در برابر سیاست هایی که برگزیده اند، پاسخگو باشند.

ب) پاسخگویی برنامه: مدیران دولتی باید درباره اجرای برنامه ها و میزان دستیابی به اهداف برنامه ها (اثربخشی) پاسخگو باشند.

ج) پاسخگویی عملکرد: مدیران دولتی باید درباره چگونگی اجرای برنامه ها (کارایی و صرفه اقتصادی) پاسخگو باشند.

پ) پاسخگویی فرایند: مدیران دولتی باید درباره فرایندهای کاری، روش های اجرایی و معیارهای اندازه گیری برای اجرای وظایف تعیین شده (برنامه ریزی، تخصیص و اداره امور) پاسخگو باشند.

ت) پاسخگویی التزام و مشروعیت: مدیران دولتی باید درباره مصرف وجوه طبق بودجه مصوب و یا ارقام مصوب (رعایت مقررات) پاسخگو باشند از این رو در یک نظام مبتنی بر حکمرانی خوب فرض بر آن است که کلیه اقدامات دولت، در نهایت همان اقدامات شهروندان است که از طریق نمایندگان آن ها انجام می شود و لازمه تأمین منافع عمومی، طراحی دقیق یک ساختار پاسخگو است تا به این ترتیب شهروندان اطمینان حاصل کنند که نهایت تلاش از طرف کسانی به عمل آمده است که به نام آن ها اقدام می کنند.

همان گونه که پیشتر نیز به آن اشاره رفت این معیار بر مسئول بودن و به عبارتی برحساب پس دادن مسئولان و تصمیم گیران در قبال شهروندان استوار است با توجه به این تعریف برای تعیین شاخص های آن باید رابطه و رفتار شهروندان با مسئولان سنجیده شود و تعیین شاخص ها در رابطه با رفتار کارکنان و ارتباط با شهردار و مدیران رده بالای شهری و همچنین اعتقاد و اعتماد به آن ها صورت پذیرد.

بند دوم: مشارکت شهروندان از منظر مدیریت شهری:

بنیان نظریه حکمرانی خوب شهری بر حکومت مردمی استوار است یعنی حکومتی که مردم اداره امور را برعهده خواهند داشت بنابراین حضور و مشارکت مردم در امور از اصول بدیهی و اولیه تحقق این نظریه و گام اول رسیدن به حکمرانی خوب شهری می باشد در این صورت مشارکت نه تنها یکی از ویژگی های حکمرانی خوب شهری بلکه گام اول در جهت تحقق آن نیز محسوب می گردد.^۴

به عبارت دیگر، در حکمرانی خوب، مشارکت از جایگاه بالایی برخوردار است. از دیدگاه کمیسیون اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه حکمرانی خوب دارای مؤلفه اصلی است که اولین آن مشارکتی بودن به حساب می آید. مشارکت همه آحاد جامعه به عنوان اساس حکمرانی خوب قلمداد میشود. مشارکت میتواند هم به صورت مستقیم و هم توسط نهادهای واسطه مشروع و یا

^۱ بزرگی، فرزاد « اهداف فردی سازمانی و اجتماعی »، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۴۴. ۱۳۸۳ ص ۴۱

^۲ بزرگی، فرزاد، پیشین، ص ۴۲

^۳ آرای و حید، پیشین، ص ۹۵

^۴ کردستانی، غلامرضا « پاسخگویی در بخش عمومی و اطلاعات حسابداری »، سال نهم، شماره ۳۹، ۱۳۸۶، ص ۲۰

^۵ شریفیان ثانی، مریم، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، مدیریت شهری شماره ۸، ۱۳۸۰، ص ۴۳

نمایندگان آنها صورت پذیرد. البته باید دقت کرد که ایجاد دموکراسی الزاماً به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات اقشار آسیب پذیر در اتخاذ سیاستها به صورت مستقیم برای راضی نگه داشتن آنها نیست بلکه مشارکت باید سازماندهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق میگردد. از دیگر اصول حکمرانی خوب شفافیت است. شفافیت به معنای اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها مطابق قوانین و مقررات است. همچنین به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که میتواند بر زندگی آنها تأثیر گذار باشد. در این راستا باید اطلاعات کافی تهیه گردد و به صورت قابل فهم در اختیار عموم قرار داده شود.^۱

در حکمرانی علاوه بر اینکه رابطه مردم با حکومت، محدود نشده بلکه به نیازمند رابطه شفاف و قانونمند در سلسله مراتب حکومت مرتبط می گردد. قانون گذاری کارآمد، مهار فساد و سایر شاخص های حکمرانی خوب نیازمند شرایط مناسب در درون حکومت و بین حکومت و شهروندان است. آزادی سیاسی و دموکراسی به تنهایی برای حکمرانی خوب کفایت نمی کند. در درون حکومت باید تدابیری اندیشیده شود که تخلفات کاهش و قانون اجرا شود. بدون تردید آزادی سیاسی و پاسخگویی بیرونی، در تقویت پاسخگویی درونی از طریق اجرای قانون و حقوق شهری موثر است. تدابیر و سیاست های درون حکومت به دو دسته تقسیم می شود:^۲

الف) توازن قوا و نظارت ملی.

ب) تدابیر حقوقی و اداری.

سیاست های گروه نخست به ساخت کلان حقوق اساسی و سیاسی جامعه بر می گردد و سیاست های گروه دوم بیشتر به سیاست های جزائی و اداری بر می گردد که از طریق اجرای قانون و قانون گرایی قابلیت پیاده سازی دارد. در این راستا نظام اجرایی و حقوقی یکپارچه و با انعطاف به تقویت نظارت جامعه و بهبود اعمال قدرت در جامعه و سلسله مراتب حکومت می انجامد. راهکار دیگر تقویت ظرفیت نهادهای محلی در طراحی، تطبیق و ارائه خدمات عمومی و تمرکز زدایی است. این امر با تدوین قوانین شفاف و تفویض اختیار به سطح پایین جامعه امکان پذیر است

حکمرانی شهری مجموعه ای از راههایی است که افراد و نهادهای اعم از خصوصی و دولتی از طریق آنها به مدیریت و اداره شهر می پردازند. چنین فرایندی عملی پیوسته است که بوسیله آن منافع افراد مختلف به کمک فعالیتهای مشارکت گونه تأمین خواهد گردید و شامل نهادهای رسمی و غیر رسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است. حکمرانی شهری پیوندی ناگسستنی با رفاه شهروندان دارد. حکمرانی خوب شهری میباید شهروندان را قادر سازد تا از منافع شهروندی بهره مند شوند. حکمرانی خوب شهری هر آنچه را که برای زندگی شهروندان لازم و ضروری است در اختیار میگذارد و از طریق آن است که شهروندان میتوانند از استعدادها و تواناییهای خود در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خویش بهره گیرند^۳

حکمرانی شهری فرایندی مدیریتی است که به اتخاذ و حفظ زیربنایها و خدمات شهری میپردازد. علاوه بر آن، حکمرانی شهری کاملاً جنبه سیاسی در خود نهفته دارد^۴ و از آنجا که حکمرانی یا حاکمیت شهری، وظیفه به اجرا در آوردن تصمیمات و سیاستهای عمومی در جهت منافع عامه را دارد به عنوان فرایند مشارکتی توسعه، تعریف میشود^۵ و به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تمیهداتی را برای حل مشکلات شهری فراهم میآورند که نتیجه آن رفع ناپایداری توسعه شهری، رفع ناپایداریها از بدنه نهادهای مدیریتی، برنامه ریزی شهری، کارآمدسازی و مسئولیت پذیری بیشتر در اداره امور شهری و تفویض قدرت، وظایف و صلاحیتهای حکومتها و سایر (ذینفعان محلی خواهد بود).

^۱ رستگار، سید حامد، پیشین، ص ۱۱

^۲ حسینی، علی، تأثیر متقابل حکمرانی مناسب و سازوکارهای نظارت بر ساخت و سازهای شهری، نشریه فن و هنر، سال سیزدهم زمستان

۱۳۸۸ شماره ۲۵، ص ۲۹

^۳ UN-HABITAT, urban governance index(ugi) a tool to measure progress in achieving good urban governance, available at: unhabitat.org, p:9.

^۴ شریفیان ثانی، مریم، پیشین، ص ۴۲

^۵ پاداش حمید، جهانشاهی، بابک و علی صادقین «مؤلفه ها و شاخصهای حکمرانی شهری» فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۰،

با این وجود در نظام مدیریت شهری نقش ها و کارکردهای جدید تری برای دخالت نظام مسئولیت مدیریت شهری (شهرداری ها و شورای شهر) و شهروندان در برنامه ریزی در نظر گرفته شده است رکن اصلی اجرای طرح توسعه نیز مشارکت همه جانبه افراد و گروه های شهری است^۱

مشارکت مدنی به مفهوم مشارکت فعال شهروندان در زندگی اجتماعی است و آنچه که تعیین کننده میزان و کیفیت مشارکت مدنی شهروندان است، اطمینان و اعتماد آنها به حکومت محلی و نهادهای دولتی است. کاهش اعتماد میتواند منجر به عدم مشارکت شهروندان و اجتماعات محلی و حتی بخش خصوصی در فعالیتهایی نظیر انجام خدمات عمومی و کاهش مشارکت سیاسی شود. اعتماد ارتباط مستقیمی با شفافیت دارد. شفافیت به روش مستقیم تری بر مشارکت مدنی تأثیرگذار است. مسئولیت پذیری عامل کلیدی در جلب موفقیت آمیز مشارکت شهروندان و بخش خصوصی در پروژههای توسعه شهری و تجدید حیات شهر به حساب میآید. آن دسته از دولتهای محلی که ارزیابیهای اولیه و برنامههای خود را با شهروندان شریک میشوند و از نظرات آنها به صورت مستمر بهره میجویند، در اجرای برنامههای توسعه با مشارکت ذینفعان محلی اثربخش تر عمل میکنند^۲.

بنابراین شفافیت میتواند در تأیید نقش تغییر یافته دولت از یک تأمین کننده و کنترل کننده کالاها و خدمات شهری، به یک توانمند ساز و تسهیل کننده دسترسی، از طریق تشویق مشارکت فعال بخش خصوصی و جامعه مدنی در امور عمومی و دولتی کمک نماید. میان مشارکت و توانمندسازی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. توانمندسازی به معنای ایجاد قدرت قانونی برای تواناسازی و تفویض اختیار به مردم است. اشاره توانمندسازی به حذف و از میان برداشتن عوامل بی قدرتی است.

بی قدرتی میتواند در عرصه تصمیم گیری و سیاسی و یا در حوزه انتخاب و آگاهی رخ دهد^۳. به همین نسبت میتوان مشارکت را عاملی برای توانمندسازی شهروندان به حساب آورد. مشارکت میتواند در تصمیم گیری شهروندان برای شهر خود باشد و یا در حد مطلع ساختن آنها از روال اداره امور شهر باقی بماند. طبعاً عمق و گستره مشارکت مردم تأثیر مستقیم در توانمندسازی ایشان دارد.

به عبارت دیگر نظام مدیریت شهری مانند دیگر نهادها در تبادل و تعامل با جامعه و شهروندان معنا پیدا می کند دخالت مردم در امور شهری از اصیل ترین شیوه های رشد ملی به شمار می رود، تجربه سودمند و شوق انگیز محلی در اداره امور جمعی رغبت مردم را برای پرداختن به کارهای بزرگ تر ملی تحریک می کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمندی که از مشارکت محلی به دست می آورند، به مشارکت های بزرگ ملی کشور راغب می گردند بنابراین می توان گفت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری موتور عمده محرکه مدیریت شهری است که نقش عمده ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری دارد

چنین مشارکت از منظر نظام مدیریت شهری می تواند از طریق مشارکت نهادها و گروه ها اجتماعی در روند تهیه طرح ها، وضعیت پرداخت هزینه ای اقتصادی شهر، وضعیت نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری سنجیده شود^۴

لازم به ذکر است، کار گیری مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری زمانی ممکن خواهد بود که این نظام اجازه استفاده از نظرات مردم را بدهد و به گونه ای سازماندهی شده باشد که دخالت مردم در فرآیند برنامه ریزی را ممکن سازد. بنابراین مهمترین تغییر مورد نیاز در شیوه های مراجعه مستقیم به آراء عمومی در بررسی و تصویب برنامه ها را شامل شود.

در شرایط عادی با حضور موثر و اجباری نمایندگان اجتماعات محلی اعم از نمایندگان شورای شهر، شورای محلات و نواحی و در غیاب آن ها معتمدین محلات و شهرها و نیز حضور اختیاری صاحب نظران و عموم مردم در کلیه مراحل بررسی و تصویب، راهگشا و تضمین کننده ارتقا کیفی برنامه ها و قابلیت های آن ها در برنامه ریزی شهری خواهد بود.

از طرفی دیگر تبلیغ و معرفی برنامه و اهداف آن به مردم به شناخت برتر و بهتر مردم از نظام برنامه ریزی شهری منجر شده و کمک خواهد نمود که برنامه ریز توجه بیشتری را معطوف به منافع عمومی و مشارکت وسیع تر مردم نموده و از سویی دیگر مردم همسو با برنامه ریز شهری در اجرا و تحقق برنامه مشارکت نمایند^۵.

الگوی حکمرانی خوب شهری به عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می شود که به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، سازمان های غیر دولتی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می کند. در این الگو مسئولیت اجرایی مستقیم مدیریت

^۱ کرامت اله زیاری، وحید نیک پی، علی حسینی، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب

شهری، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، بهار ۱۳۹۲ ص ۸۳

^۲ رستگار، حامد، پیشین، ص ۱۲

^۳ دائرة المعارف جامع شهرداریها، ص ۲۷۱

^۴ زیاری و دیگران، پیشین، ص ۸۵

^۵ حکمت نیا، حسن. موسوی، میر نجف، ۱۳۸۵، «کاربرد جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و منطقه ای»، یزد، انتشارات نوین. ص ۱۳۴

شهری کمتر شده و امکان بیشتری برای برنامه ریزی و کنترل از پایین به بالا توسط سازمان های غیر دولتی و نهادهای مردمی فراهم شده است.^۱

اهمیت اقدام جمعی موجب پدید آمدن چارچوب جدیدی برای عمل، برای بخش عمومی شده است این روزها همه از مشارکت فعال شهروندان به عنوان عنصری محوری در تحقق دموکراسی و در امر توسعه پایدار سخن می گویند. درحقیقت مشارکت بخشی از مقوله دموکراسی است و در چارچوب روابط دولت و رابطه قدرت در جامعه شکل می گیرد که در اواخر دهه ۱۹۶۰ نقش مشارکت در توسعه جوامع به عنوان موضوعی اساسی مورد توجه تصمیم سازان و تصمیم گیران قرار گرفت.^۲

مشارکت می تواند مستقیم یا از طریق نهادها و نمایندگان میانجی قانونی باشد، اما آنچه مشارکت را اثربخش و کارآمد می سازد، جنبه ی آگاهانه و سازمان یافتگی آن است. این بدان معناست که برای تضمین تداوم و اثربخشی و کارآمدی مشارکت باید نهادها، سازمانها و انجمنها و به طور کلی جامعه مدنی قادر باشد آزادانه به بیان دیدگاههای خود بپردازد، برای آن دیدگاهها تبلیغ کند و در راستای دستیابی به جامعه ی مطلوب تر با گروه های دیگر همکاری، مشارکت و رقابت کند. هم چنین، باید زمینه ای فراهم شود تا مشارکت در فعالیتهای تصمیم گیران و نیز شریک بودن در منافع و مسئولیتهای ناشی از تصمیم گیری صورت پذیرد.

مشارکت زنان و مردان نقطه اصلی حکمرانی خوب است. مشارکت می تواند مستقیم و یا از طریق مؤسسات قانونی میانی یا نمایندگان صورت پذیرد. مشارکت نیازمند تشکل یافتن و سازماندهی است. این موضوع به مفهوم آزادی تشکل مؤسسه و آزادی بیان از یکسو و جامعه مدنی سازمان یافته از سوی دیگر است.^۳

مشارکت جامعه مدنی به قانونمند شدن ساختار سیاست گذاری محلی و در نتیجه کارآمدتر شدن سیاست های عمومی کمک می کند و به همین دلیل در بیشتر شهرها برای نفوذ و دخالت و مشارکت بیشتر جامعه حمایت های فراوانی صورت می گیرد. در این زمینه تکنولوژی های ارتباطی به ویژه اینترنت فرایند مشارکت و دخالت شهروندان را تسهیل نموده و هم چنین در برخی شهرها از آن برای رأی گیری و نظرخواهی از شهروندان استفاده می شود.

مشارکت میتواند در تصمیم گیری شهروندان برای شهر خود باشد و یا در حد مطلع ساختن آنها از روال اداره امور شهر باقی بماند. طبعاً عمق و گستره مشارکت مردم، تأثیر مستقیم در توانمندسازی ایشان دارد. مواجهه شهرداری ها با کارویژه های جدید که در پرتو حکمرانی خوب به وجود آمده است، نیازمند تغییرات وسیع و گسترده در سه حوزه است: قوانین و مقررات، ساختار شهرداری ها و در نهایت ذهنیت شهروندان.

در این نظام، تمرکز زدایی مدیریتی، واگذاری مسئولیت های برنامه ریزی از سطوح دولتی به نهادهای محلی و بالاخره مشارکت دادن مردم در فرآیندهای توسعه شهری از طریق تدوین قوانین و فرآیندهای رسمی برای اخذ نظرات مردم در امر برنامه ریزی و مدیریت شهری در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه به طور جدی مطرح است.

این فرآیند در سه مرحله ی سازماندهی نهادهای مردمی، آموزش و تجهیز و در نهایت حضور و مشارکت مردم قابل دسترسی است که از پیش شرط های آماده سازی مردم جهت شرکت در این فرآیند به حساب می آیند. مشارکت مردمی که نوعی تمرکز زدایی در اداره امور می باشد باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی - سیاسی می گردد^۴

گفتار سوم: شفافیت و قانون مداری در چارچوب مدیریت و حکمرانی خوب شهری:

بند اول: شفافیت:

شفافیت نتیجه ی منطقی جریان آزاد اطلاعات است. وقتی هر کسی به اطلاعاتی که در مورد وقایع، موسسات و... نیاز دارد، دسترسی داشته باشد به آسانی می تواند از ماهیت اصلی آنها اطلاع پیدا کند و دیگران را نیز آگاه کند. یک حکمرانی خوب از حسابرسی و موشکافی در قرار دادها، ابزار، جلسات، تصمیم ها و... که به آن مرتبط هستند نه تنها هراسی ندارد بلکه این گونه موشکافی را تا جایی که به امنیت شهری و ملی آسیب نزد تشویق می کند. چنین حکمرانی اطلاعات اندکی (آن هم بنا بر ضرورت) را از مردم مخفی نگه می دارد و دلیلی نیز برای پنهان کاری نمی بیند و به مردم این حق را می دهد که به کلیه اطلاعات غیر امنیتی دسترسی داشته باشند.

^۱ زیاری کرامت اله، نیک پی وحید، حسینی علی، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب

شهری، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال سی و دوم، شماره ۱۴۱، ص

^۲ شریف ثانی، پیشین، ص ۴۳

^۳ فرزین پاک، شهرزاد، «از آموختنی های شهر: حکمروایی خوب چیست؟» شهرداریها، سال ششم، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۳، ص ۷۰

^۴ حکمت نیا، پیشین، ص ۱۳۴

شفافیت که خود محصول جانبی مسوولیت پذیری است، نتایجی نیز دارد که از آن جمله می توان به ایجاد مناظره های آگاهانه، بهتر شدن کیفیت مشارکت مردم، کم شدن راه های خرابکاری و ایجاد زمینه برای فعالیت های گروهی اشاره کرد. شفافیت باعث می شود حکومت مرکزی در مورد اتفاقات محلی، دیدی صحیح داشته باشد و آن را مجبور می کند در مورد مسوولیت پذیری تمامی کارمندان مطمئن باشد، کارمندانی که با عدم رعایت اصول اخلاقی می توانند موسسه را از رسیدن به تصویری که برای خود قایل است دور کنند، در چنین ساختاری تنها ارتباط صحیح بین مقامات بالا با کارمندان شفافیت در کل سیستم است.^۱

بند دوم: حاکمیت قانون:

چارچوب های قانونی، به خصوص در امور مربوط به حقوق بشر، باید عادلانه وضع و اجرا شود. وظیفه ی قانون گذاری حکومت های محلی عموماً منحصر به ارایه قوانینی پیرامون ساختمان سازی، کاربری زمین ها، سلامت عمومی، توزیع منابع، امنیت شهروندی، امنیت جاده های و ... است، که یک حکمرانی خوب؛ بر وضع عادلانه این قوانین و اجرای بدون تبعیض آن تاکید دارد، به این معنی که تلاش می کند اجرای قانون به خاطر ترس از کسی یا در حمایت از کسی نباشد. چنین حکمرانی تضمین می کند اصول وضع شده برای همه به صورت عادلانه قابلیت اجرا و کاربرد دارد.

می توان این طور بیان کرد که قبول حکومت قانون به منزله ی الزام عملی به قانون است. شهرداری و تمام موسسات مردم سالار در یک شهر باید به طور بی غرض، قانون را اعمال و رعایت کنند و تمام شهروندان را در برابر قانون یکسان بدانند. علاوه بر این، حکومت قانون باید در داخل خود حکومت نیز موثر باشد. بدین معنی که نظام کارایی در حکومت برای ارزیابی کارمندان آن و توبیخ و تشویق متناسب آنان وجود داشته باشد.^۲

حکومت قانون حمایت از شان و حقوق افراد جامعه است، پس به نظر، مناسب می رسد که حکمران ها از اینکه عوامل اجرای قانون و پلیس ها به اندازه کافی آموزش دیده اند تا بتوانند از حقوق تک تک افراد جامعه دفاع کنند و مردم را نسب به حقوقشان آگاه کنند، شاید بتوان گفت این مورد از اساسی ترین وظایف یک حکمران یا شهردار است. همچنین حمایت از حقوق مصرف کننده از دیگر وظایف حکومت هاست، به رغم اینکه در اقتصاد کنونی، دولت نقشی در اقتصاد شهری ایفا نمی کند و اقتصاد را به بخش خصوصی سپرده است، اما نظارت نکردن بر آن اشتباهی است که تاوانش آشفته گی نظام اقتصادی، تولید و مصرف خواهد بود و در حقیقت حمایت از حقوق مصرف کنند به یک الویت بدل شده است.^۳

در بیشتر شهرهای آسیا و اقیانوسیه، مسوولیت نظارت بر حکومت قانون به صورت پراکنده ای بین سازمان های دولتی پخش شده است که این موضوع باعث می شود هیچ کدام از نهادها در این باره احساس مسوولیت نکنند و این حکمران شهری است که باید به عنوان عاملی که تمام سازمان ها را پوشش می دهد تاوان ناشی از این عدم شفافیت را در نظر بگیرید و یک ساختار هماهنگ ایجاد کند.

مبحث دوم: تحقق توسعه پایدار شهری در پرتو حکمرانی خوب:

نظریه توسعه پایدار شهری، حاصل بحث های طرفداران محیط زیست درباره مسائل زیست محیطی به خصوص محیط زیست شهری که به دنبال نظریه توسعه پایدار برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد. توسعه پایدار شهری نیازمند شناسایی محدودیت های محیطی برای فعالیت های انسانی در ارتباط با شهرها و تطبیق روش های طراحی در این محدودیت ها است. در این نظریه موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن ضایعات به منابع تجدید ناپذیر مطرح است.

این نظریه، حاصل طرفداران محیط زیست درباره مسائل زیست محیطی بخصوص محیط زیست شهری است که به دنبال نظریه توسعه پایدار برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد. در این نظریه موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهتر از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید ناپذیر مطرح است. با افزایش جمعیت و توسعه شهرنشینی و همچنین مهاجرت روزافزون بویژه در شهرهای کشورهای در حال توسعه، مشکلات بسیاری از جمله کاهش ظرفیت زیرساخت های شهری، کمبود مسکن، تنزل کیفیت هوا، آب، خاک و و محیط طبیعی به صورت جدی مطرح گردید

حکمرانی شهری پیش شرطی برای توسعه پایدار است امروزه شهرها با افزایش مداوم جمعیت و نیازهای اجتماعی وابسته به آن روبه رو هستند ولی منابعی که در اختیار شهرداری ها قرار می گیرد به همان نسبت افزایش نیم یابد در این شرایط عدم تمرکز موفق، مدیریت موفق منابع محدود، مشارکت همگانی و توسعه مشارکت بین شهر، دولت جامعه مدنی اجتماعات محلی و نیز بخش خصوصی، ابزارهای اصلی نبردی هستند که شهرها در پیش رو دارند. اهمیت حفظ تعادل بین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی نسل حاضر و

^۱ تقوایی علی اکبر تاجدار رسول، پیشین، ص ۵۳

^۲ تقوایی و تاجدار، پیشین، ص ۵۴

^۳ اطهاری، کمال؛ حاکمیت شایسته و ضرورت احیای جستارهای شهرسازی، حوزه عمومی سال ششم،، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶ ص

آینده از طریق توسعه انسانی پایدار، تغییر پارادایمی را در مدیریت شهری و ارائه خدمات شهری به وجود آورده است این تغییر پارادایم، به ورود مفاهیمی چون مشارکت شهروندی، جامعه مدنی مقتدر سازی مشارکت شهری و حکمرانی خوب شهر انجامیده است.^۱

گفتار اول: مفهوم توسعه پایدار شهری و ارتباط آن با حکمرانی مطلوب شهری:

توسعه پایدار به عنوان یگانه رویکرد مقابله با تهدیدهای جهانی از اواخر دهه هشتاد وارد ادبیات توسعه شده است توسعه پایدار راه تازه ای برای رسیدن به آرمانهای بشر همراه با حفظ منابع و امکانات برای آیندگان است. در دهه های اخیر یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار، دستیابی به توسعه پایدار شهری است و در این راستا مطالعات و برنامه ریزی های متعددی در جهت یافتن اصول و راهکارهای کاربردی در برنامه های توسعه شهری صورت گرفته است و اندیشه توسعه شهری پایدار از جنبه های بسیار گسترده مورد نقد و بررسی در امر توسعه در سطح ملی است.

در حقیقت توسعه پایدار شهری، مفهوم اصلی در این حوزه است برخاسته و منبعث از ایده های نظیر شهرنشینی پایدار، شهر پایدار، پایداری شهر، شهر سالم و تلاقی دیدگاه های مختلف اقتصادی، زیست محیطی است. مفهوم اصلی توسعه پایدار شهری شکلی از توسعه امروزی است که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل های آینده را تضمین کند.^۲

از نظر کالبدی، توسعه پایدار شهری یعنی تغییراتی که در کاربری زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا به عمل می آید تا در طول زمان شهر را از نظر زیست محیطی قابل سکونت و زندگی کنند و از نظر اقتصادی بادوام، همچنین از نظر اجتماعی همبسته نگه دارند.^۳

بنابراین در ارزیابی گسترش شهری، ناشی از چنین توسعه ای، باید اصول توسعه پایدار را در تمام مناطق، حوزه ها و محلات نشان دهند و نماگر کل شهر یابری ابعاد و بخش ها نمی تواند ارزیابی از کلیت نظام توسعه پایدار باشد^۴ در یک دید اجمالی، مبانی نظری مفهوم پایداری در شهر شامل این موارد می شود:

کاهش آلودگی، نگهداری منابع طبیعی، کاهش حجم ضایعات شهری، افزایش بازیافتها، کاهش انرژی مصرفی، افزایش بیش از حد جانداران مفید در شهر و روستا با ایجاد جامعه جنگلی و درختان شهری و نواحی سبز، عدم تمرکز شهری و کاهش پراکندگیها، افزایش تراکم متوسط در حومه های شهری و شهرهای کوچک، کاهش فواصل ارتباطی، ایجاد اشتغال محلی، توسعه متنوع مسکن در مراکز اشتغال، توسعه شهرهای کوچک برای کاهش اتکا به شهرهای بزرگ، ساختار اجتماع متعادل، حمل و نقل عمومی و کاهش ترافیک جاده ای، مدیریت ضایعات بازیافت نشدنی، توزیع منابع و تهیه غذای پایدار محلی. به این طریق اولاً با جایگزینی منابع و نوسازی آنها، اتخاذ سیاست کاربرد صحیح و محافظت از زمین بالا می رود؛ ثانیاً با توجه به برنامه ریزی شهری و ساماندهی فضا، توسعه پایدار شهری حاصل می شود با بررسی نظرات، تعاریف و پیشنهادهای که در این زمینه مطرح شده، هدف فرایند توسعه شهری پایدار دستیابی به وضعیت پایداری جوامع شهری می باشد، فرایندی که هدف آن ایجاد یا تقویت ویژگیهای پایداری در زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی شهر است. طرفداران توسعه شهری با تاکید بر پروژهای منطقی، سعی در توجه به تمام جنبه های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی طرح هادارند و برای نیل به شهر آرمانی بایستی تعمق و تعامل بین بخش های مذکور صورت پذیرد. از این رو با توجه به اهمیت مقوله پایداری در اهداف توسعه شهرها، دامنه گسترده ای از مجموعه نیازهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اکولوژیک و کالبدی برای حرکت به سوی پایداری مورد توجه است، که میتواند در قالب شاخص های پایداری شهر تعریف و تدقیق گردد.^۵

^۱ شریفیان ثانی مریم، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، مدیریت شهری ۱۳۸۰، شماره ۸، ص ۴۲

^۲ Hall, peter, toward sustainable livable and innovative cities for 21st, presented in proceeding of the third conference of the world capitals, Tokyo, 1993, p:22 available in: http://www.utoronto.ca/~sorensen/Publications_files/TowardsSustainableCitiesCh1Ch12.PDF (last visited, feb 2015)

^۳ Mokomo, s, on sustainable urban development in sub-saharan Africa, journal of cities vol13, no40, 1996, p:266

^۴ کاظمی محمدی سیدمهدی موسی، توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاهها، تحقیقات جغرافیایی: پاییز ۱۳۸۰، دوره ۱۶، شماره ۳، ص ۱۰۴

^۵ پورغلام هادی، مدیریت و توسعه پایدار شهری، ارائه شده در هشتمین هم اندیشی معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهری پایدار، مشهد ۵ دی ماه ۱۳۹۲، مجموعه مقالات، ص ۱

مدیریت امور شهری، آن هم در شرایط کنونی، وظیفه ای بسیار دشوار است که پایانی در آن متصور نمی توان شد. اداره کنندگان شده و آن ندانسته دست به گریبان حل مشکلات حادی می باشند که کمتر فرصت و یا حتی توان چاره جویی برای حل ریشه ای این گونه مسائل و حرکت به سوی چشم اندازی مطلوب را دارند. از این رو میتوان گفت مدیریت شهری در چنین حالتی لاجرم هدف و اساس اقدامات خود را آنان محدود می نماید که بدون دغدغه بوده حیات شهری در افق بلند مدت، تنها به آب و جاروی شهر بسنده نموده است.^۱

مدیریت شهری در شهرها عهده دار موضوعات مرتبط با حیات شهری است، آنگاه ایجاد شهری مناسب زندگی حال و آینده شهروندان یعنی ایجاد شهر پایدار، مأموریت خطیر و الزام آور مدیریت شهری محسوب می گردد. شهری که بر مبنای تعریف توسعه پایدار (توسعه آن متوازن و به گونه ای خواهد بود که ضمن تامین نیازهای نسل کنونی، توانایی نسلهای آتی در برآورد ساختن نیازهایشان را با مخاطره مواجه نمیسازد) پایداری شهری مفهومی است که در پی طرح (توسعه پایدار) به عنوان الگو وارده ای جدید در جهان مطرح گردید. ریشه های نگرش توسعه پایدار به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی اقتصاد در شهرها از - منظر بوم شناسی (اکولوژی) بر میگردد.

از این رو در اواخر دهه ۱۹۹۰ نهاد بین المللی شیوه سیاست گذاری اقتصادی، سیاسی به نام حکمرانی خوب را به عنوان کلید توسعه مطرح کردند درواقع بعد از شکست برنامه ها و سیاست های قبلی نهادهای بین المللی و ناموفق بودن این برنامه ها در دستیابی به توسعه پایدار، در رهیافت های جدید توسعه بهسازی حکومت ها و توانمند سازی آنها شرط پایداری توسعه در کشور های در حال توسعه مطرح گردید، پایداری در اصل رسیدن همزمان به اهداف حفاظت محیطی ثبات اقتصادی و عدالت اجتماعی است^۲ در رابطه با ارتباط این مفهوم با حکمرانی شهری باید گفت، ارتباط توسعه و نحوه اداره جامعه از طریق نظریه های گوناگون اقتصادی، سیاسی و جامعه شناسی شکل می گیرد که یکی از جدیدترین این نظریه ها، نظریه حکمرانی و مولود آن، حکمرانی خوب است که در دهه های اخیر مطرح گردیده است^۳

در حقیقت حکمرانی خوب شهری، پیش شرطی برای توسعه پایدار است چرا که عدم تمرکز، مدیریت منابع محدود، مشارکت همگانی، شراکت بین شهر، دولت جامعه مدنی و بخش خصوصی ابزارهای اصلی نبرد شهرها برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و پایداری توسعه هستند و این ها همگی مستلزم استقرار مدل حکمرانی خوب شهری است.^۴

از منظر حقوق عمومی و به عنوان شیوه ای مدیریتی مبتنی بر حکمرانی خوب، پایداری شهری را می توان در دو سطح تحلیل کرد: ۱- سازمان دهی اجتماعی فرایندها و ایجاد شبکه های از بازیگرین متعدد و تلاش برای به کارگیری افکار عمومی در جهت دهی به آینده حوزه های محلی در چارچوب توسعه پایدار

۲- تبادل نظر بر مبنای پایداری شهر براساس برنامه ها و اهداف مرتبط با آن ها به گونه ای که جوامع موجود و گرایش های اجتماعی-اقتصادی و بوم شناختی به سمت توسعه پایدار رهنمون شود.^۵

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت اثر متقابل حکمرانی خوب شهری و توسعه پایدار است باید توجه داشت که اولین و مهمترین مرحله و در واقع تغییری که باید صورت پذیرد تاجریان توسعه پایدار در مسیر خودش قرار گیرد تغییر در نگاه مدیریت شهری است. تغییر نگاه مدیریت از برنامه ای کوتاه مدت به بلند مدت و توجه به نسل های آینده استفاده موثر از منابع موجود در راه توسعه با رعایت چارچوب های مورد نظر در رویکرد توسعه پایدار، مرحله بعدی این چرخه قرار گرفتن امکانات و منابع در خدمت شهروندان است که در ادامه باعث به جریان افتادن توسعه پایدار می شود.^۶

گفتار دوم: تاثیر مولفه های حکمرانی خوب بر برنامه ریزی شهری مبتنی بر توسعه پایدار:

^۱ پورغلام، پیشین، ص ۲

^۲ لاله پور، منیژه، پیشین، ص ۶۳

^۳ صدیقی، سمیه، بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در کشورهای در معرض مخاطره نقرین منابع، پایان نامه کارشناسی ارشد،

دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۲، ص ۷

^۴ کاظمیان، ۱۳۸۳، ص ۱۴

^۵ لاله پور، پیشین، ص ۶۴

^۶ شاکری، حمید، حکمرانی خوب شهری، توسعه پایدار و نگاه اجمالی به حکمرانی شهری در ایران، کنفرانس ملی معماری و منظر شهری

در دوران معاصر با رشد بی رویه شهرنشینی و افزایش جمعیت آنها، مطالبات آنها نیز نسبت به گذشته افزایش چشمگیری پیدا کرد. کشورهایی که به صورت متمرکز و از بالا به پایین اداره می شدند دیگر نمی توانستند نیازهای شهروندان را تأمین کنند. عدم پاسخگویی دولتمردان به مطالبات و نیازهای شهروندان رفته رفته سبب از دست رفتن مشروعیت حاکمیت و بروز بحران های سیاسی و اجتماعی در جامعه می شد همین کافی بود تا دولتمردان در پی یافتن راه حل هایی برای این مسئله باشند. حکمرانی خوب شهری می تواند راه خوبی برای این مسائل مشکلاتی که بوجود آمده باشد ولی به تنهایی کافی نیست چرا که ممکن است حکمرانان صرفاً در پی حل بحران ها و مشکلات به طور موقت باشند ولی اگر ضمن رعایت مؤلفه های حکمرانی خوب شهری به طور جد توجه خاصی به توسعه پایدار بکنند می توانند بدون زیاده روی در استفاده از منابع موجود با نگاه به نسل های آینده مسائل و مشکلات نسل کنونی را حل و فصل نمایند و بسترهای لازم برای توسعه و پیشرفت کشور را فراهم نمایند

نظام برنامه ریزی شهری که با نحوه استفاده از زمین سروکار دارد و بر کیفیت زندگی و فرهنگ جامعه تأثیری مستقیم داشته، گذشته از جنبه های فنی و یا زیباشناختی از نظر اقتصادی و سیاسی نیز دارای اهمیت است. در جامعه امروزی که شهروندان خواهان نقش فعالتری در برنامه ریزی شهری بوده و در یک نظام حقوقی صحیح، از طریق اعمال نظارت و کنترل؛ شهروندان قادرند از سودجویی ها و زودگذر به نفع حمایت از طرح های سودمند ی وارد عمل شده و در جهت تأمین منافع عمومی بر دستگاهها نظارت نمایند.

باوجود اینکه تعریف های فراوانی از مفهوم برنامه ریزی ارائه شده است و در این مورد دیدگاه های متنوعی نیز وجود دارد لیکن توافق همگانی بر سر هدفمند بودن و نیاز به پیش بینی سلسله اقداماتی برای دستیابی به اهداف تعیین شده در آنها وجود دارد. اصولاً برنامه ریزی به عنوان یک کوشش هدفمند و سازمان یافته هم متکی به فعالیت ذهنی و شناختی و هم متکی به فعالیت عملی است برنامه ریزی عبارت است از یک رشته اقدامات و تصمیمات که در مسیر وصول به اهداف عملیاتی سازمان داده میشود. یا به عبارت دیگر برنامه ریزی به عنوان یک فعالیت عمومی عبارت است از انجام یک رشته عملیات منظم که در راستای دستیابی به یک هدف یا اهداف معین تدوین می-شود.

در این بین، ضوابط و مقررات شهرسازی دارای ابعاد حقوقی و همچنین ابعاد شهرسازی است از این رو هم با فلسفه حقوق و هم با منطق شهرسازی بر این نکته تأکید می شود که شهر باید کنترل شود و در غیر این صورت شکل شهر رو به انحطاط خواهدرفت و قادر به برطرف ساختن تضاد منافع و تأمین نیازها نخواهد بود. دراین بین حقوق در کنار برنامه ریزی و طراحی محیط دو عرصه مکمل یک جامعه در انتظار بخشی محتوا و کالبد جامعه شهری به شمار می روند در صورتی که نقش آنها به خوبی درک و به منظور انجام اهداف و آرمان های توسعه پایدار و حکمرانی خوب شهری به کار گرفته شوند می توان انتظار کامل و یکپارچه محیط مناسب شهری و تحقق مولفه های توسعه پایدار را داشت.^۱

مجموعه تصمیمات مردم ساکن هر شهر، شکل آن شهر را می سازد ولی شهر باید کنترل شود چون زندگی شهری با هرج و مرج بدون سازوکارهای انتظام بخش و قابل اجرا رو به انحطاط خواهد رفت، بر همین اساس همه جوامع برای کنترل تصمیمات مردم و عملکرد صحیح و آسان نیز به قوانین و مقررات دارند تا همان مردم با اطمینان زندگی کنند و به کار خود بپردازند و بدانند که از دیگران هم می توان انتظار پیروی از این مقررات را داشت ضوابط و مقررات شهرسازی آن بخش از تصمیمات مردم را که بازتاب فضایی و کالبدی دارد، کنترل هدایت می کند و قدر مسلم توسعه پایدار که مفهوم عدالت را در طول زمان و همچنین در عرض زمان در بردارد می تواند به عنوان آرمان و مقصد نهایی این نوع از ضوابط و مقررات قرار گیرد در واقع اگر ضوابط و مقررات شهرسازی به نحو کارآمدی به منظور تحقق اهداف و آرمان های توسعه پایدار تدوین شوند و در صورتی که به نحو کارآمدی هم به اجرا درآیند تضمین کننده شکل گیری شهری با آرمان های توسعه پایدار خواهد بود.^۲

بنابراین، ضوابط و مقررات محیطی و شهر سازی به لحاظ آنکه فصل مشترک حقوق و شهرسازی به شمار می روند از یک سوجایگاه تجلی اهداف و آرمان های محیطی و شهری برای بهبود شرایط محیطی شهری در جهت تأمین نیازهای متعدد، عمومی و خصوصی اند و از سوی دگر جایگاه تجلی اهداف توسعه پایدار در توسعه و عمران شهری محسوب می شوند از این رو چنانچه، به نحو کارآمدی تدوین و به اجرا گذاشته شوند می توانند منجر به تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شوند.

حکمرانی خوب شهری باید منجر به کاهش آسیب پذیری، تواناسازی توسعه روش شناسی های کاهش اثرات و بازیابی (ترمیم) و قدرت دهی به جامعه مدنی برای اقدام در جهت منافعش می باشد لذا تصمیم سازی فراگیر در قلب حکمرانی خوب شهری قرار دارد اما

^۱ صالحی اسماعیل، نقش ضوابط و مقررات شهرسازی در تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی شهر تهران، محیط

شناسی، سال ۳۲، شماره ۴۰، ۱۳۸۵ ص ۵۵

^۲، پیشین، ص ۵۱

فرآیندی که تصمیمات بوسیله آن اجرا می‌شوند نیز به همان اندازه مهم است؛ مسأله‌ای که باید مد نظر برنامه ریزان شهری به عنوان مهمترین عوامل تصمیم‌ساز برای شهر، قرار گیرد.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

حکمرانی خوب ایده جدیدی است که جایگزین مفهوم حکومت شده است. طبق مفهوم فوق، حکمرانی خوب روایتی نو از مفاهیمی هم چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است و در عین حال چارچوبی به دست می‌دهد که همه این اهداف و ارزش‌ها در یکجا جمع می‌شوند و با ایجاد حداکثر همگرایی و همسویی، اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم دنبال می‌شود. حکمرانی خوب روایتگر توسعه انسان محور است به موجب این نظریه، فرآیند توسعه اقتصادی تحت تأثیر عملکرد سه نهاد بزرگ و نحوه تعامل آنها است: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی که هر یک وظایفی دارند. این وظایف باید به درستی شناخته و تفکیک شود. سپس بین آنها تعاملاتی صورت گیرد. این تعاملات باید به درستی انجام شود تا اینکه جامعه از بعد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رو به شکوفایی برود. در غیر اینصورت در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خلل ایجاد می‌شود. بنابراین محور اصلی اصلاحات و برنامه‌های توسعه مبتنی بر حکمرانی خوب نیز تعامل و تعادل این سه حوزه اصلی جامعه می‌باشد. هر یک از حوزه‌های حکمرانی نقشی مهم در ارتقای توسعه انسانی پایدار خواهند داشت.

حکمرانی خوب هم چنین شرط اساسی دستیابی به «اهداف توسعه هزاره» است؛ این اهداف هشت‌گانه برای دستیابی به توسعه و کاهش فقر که امید می‌رود تا سال ۲۰۱۵ تحقق یابند عبارتند از: ریشه‌کنی فقر شدید و گرسنگی، تحقق آموزش ابتدایی همگانی، ترویج برابری جنسیتی و توانمندی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود بهداشت مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و دیگر امراض، تضمین حفاظت محیط زیست، توسعه مشارکت جهانی برای توسعه. حوزه مهم دیگر تلاقی ایده حکمرانی خوب با مباحث حقوقی به ویژه حقوق عمومی بحث حقوق شهروندی و اهمیت آن در مدیریت امور عمومی به ویژه مدیریت شهری است.

چنین ایده‌ای از حکمرانی و زمامداری به ویژه در حوزه مدیریت شهری در جهت ارتقای سطح کیفی اداره امور شهری بسیار تاثیر گذار است چرا که وظایف کنونی مدیریت شهری (صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظامهای اجتماعی و سیاسی گوناگون) تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه ریزی، خدمات رسانی، مدیریت فرهنگ محلی، انجام پروژه‌های عمرانی و... نمی‌شود. همچنین، در نگرش جدید به مدیریت شهری، ایجاد سازمانهای محلی، افقی و فرابخشی به منظور رسیدن به اهداف توسعه پایدار و جامعه مدنی و نیز تقسیم وظایف بین حکومتهای مرکزی و محلی و صلاحیت دار کردن شهروندان از اصول اساسی محسوب می‌شوند که با نظام اداری مرکزی، عمومی و بخشی مغایرت دارد. بنابراین، به دلیل پیچیده شدن وضعیت محیطی و رفتار عناصر، بهره‌گیری از مفهوم مدیریت شهری به صورت محض، دیگر به تنهایی راه گشای حل مسائل نبوده و در گامی دیگر حکمرانی خوب شهری با تمرکز بر معیارهایی از جمله مشارکت، قانون مداری، انعطاف پذیری، کارآمدی و غیره مطرح می‌شود.

در حوزه مدیریت حکمرانی خوب شهری اهدافی چون: ۱- تأمین توسعه پایدار ۲- عدالت اجتماعی و ۳- مدیریت مشارکتی را با تأکید بر جامعه مدنی، دموکراسی، ارزش‌های بومی و محلی و اعتقاد به خرد جمعی دنبال نمود. بالاترین هدف حکمرانی خوب شهری، بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء سطح خوشبختی و رضایتمندی شهروندان است.

براساس تغییر و تحولاتی که در رویکردهای اداره شهرها و ظهور رویکردهای مشارکت و اجتماع محور روی داده است می‌توان دو ویژگی عمده را برای حکمرانی خوب شهری برشماری کرد:

۱- تأکید بر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و ۲- تأکید بر مبنای توسعه پایدار شهری که بر روی هم ارتقاء کیفیت زندگی شهری، رفاه و عدالت اجتماعی را مدنظر دارد.

بعلاوه نباید از نظر دور داشت تحقق سبک و شیوه مدیریت امور محلی و شهری که از آن به عنوان حکمرانی یاد می‌شود منوط به شکل‌گیری یک مجموعه روابط رسمی و ساختارهای از قبیل قانون مداری، چارچوب‌های حقوقی مدون و مشخص، تعریف و تعیین حدود رژیمهای سیاسی، تعیین سطوح تمرکززدایی و فراهم کردن زمینه مشارکتهای همگانی در امور تصمیم‌گیری راجع به یک خط مشی است. حکمرانی شهری بر خلاف مدیریت شهری، فرآیندی مدیریتی است که به اتخاذ و حفظ زیربناها و خدمات شهری می‌پردازد.

حکمرانی خوب شهری عاملی پیوند دهنده میان اصول و ارزشهای حاکمیتی و رویکردهای نوین و انطباقی سازماندهی به حساب می‌آید و با بهره‌گیری از مفاهیم مشارکت، قانون مداری، شفاف سازی، انعطاف پذیری، وفاق محوری، عدالت، کارآمدی و پاسخگویی، زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌آورد. با این تفاوت که تنها، مقوله پایداری در این مفهوم، مورد تمرکز نبوده و زنده نگه داشتن یک شهر هدف اصلی خواهد بود.

این رویکرد در اداره شهرها بر مبنای توسعه پایدار مردم سالار و برابر خواهانه، برای تأثیرگذاری تمامی کنشگران در مدیریت شهری و همچنین پاسخگویی به تمامی نیازهای شهروندان است. در ضمن لازم به یادآوری است که حکمرانی خوب شهری پیش شرطی

برای توسعه پایدار است. در واقع حکمرانی خوب شهری یعنی اثرگذاری همه کنشگران عرصه شهری بر اداره و مدیریت شهر، برای برآورده کردن خدمات عمومی، نیازهای عمومی شهروندان و برقراری یک توازن و تعادل بین نیازهای نسل فعلی و آینده می باشد.

بنابراین، هدف حکمرانی خوب، توسعه انسانی پایدار و در کنار آن ایجاد شهری پایدار است و در آن، ضمن تأکید بر توجه به کاهش فقر، ایجاد اشتغال و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان، رویکرد فراهم ساختن بستر مناسب جهت مشارکت و اهمیت برنامه ریزی مشارکتی برای توسعه و اداره شهر، ایجاد حس شهروندی و شفافیت در برنامه ها اهمیت بسیار دارد. در این حکمرانی شراکت و تعامل میان سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام برنامه ها و فعالیت ها ضروری و لازم می باشد نقطه تلاقی و ارتباط حوزه حقوق عمومی و مدیریت شهری در پرتو حکمرانی خوب، در تحقق حکمرانی خوب شهری و همچنین تحقق توسعه پایدار شهری طی آن روشن می شود به این معنی که مولفه های حکمرانی خوب در حوزه حقوق عمومی و مدیریت شهری عموماً در نحوه مدیریت عمومی شهر و همچنین تحقق اهداف و سیاست های عمومی متجلی خواهد شد.

از سوی دیگر، ضوابط و مقررات محیطی و شهر سازی به لحاظ آنکه فصل مشترک حقوق و شهر سازی به شمار می روند نیز جایگاه تجلی اهداف و آرمان های محیطی و شهری برای بهبود شرایط محیطی شهری در جهت تأمین نیازهای متعدد، عمومی و خصوصی اند و از سوی دیگر جایگاه تجلی اهداف توسعه پایدار در توسعه و عمران شهری محسوب می شوند از این رو چنانچه، به نحو کارآمدی تدوین و به اجرا گذاشته شوند می توانند منجر به تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شوند.

بنابراین با عنایت به مباحث حقوق عمومی از جمله نظام قانونی حاکم بر مدیریت شهری همچنین تأثیر مولفه های حکمرانی خوب در حیطه مباحث حقوقی از جمله لزوم حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، می توان چنین نتیجه گرفت که از منظر حقوقی مفهوم حکمرانی خوب در حوزه مدیریت شهری ناشی از رویکردی است که بر توسعه پایدار، مشارکتی و مردم محور تأکید دارد. طبق این رویکرد دولت ها و حکومت ها باید بتوانند براساس ارزش ها و مبانی فرهنگی مردم و با جلب مشارکت آنها، نیازها و مشکلات را شناسایی و تغییر و تحولات را برنامه ریزی و مدیریت کنند. تا ضمن بهبود شرایط زندگی و ارتقاء سطح رفاه مادی، نظم، امنیت، عدالت و سلامت روانی و اجتماعی جامعه نیز حفظ شده یا بهبود یابد. از این رو در راستای ارتقای چنین مولفه هایی در نظام مدیریت شهری و با عنایت به مقتضیات حقوق عمومی پیشنهاداتی به شرح زیر مطرح می گردد:

۱. اصلاح ساختار سازمانهای دولتی، رفع بوروکراسی، سیاست زدایی از نظام اداری)
 ۲. فراهم کردن زمینه مشارکت فعال سازمان های غیر دولتی جامعه مدنی برای پیشگیری از ایجاد گروهها و باندهای غیر رسمی قدرتمند.
 ۳. اصلاح قوه قضائیه: نظام قضایی نیز باید اصلاح و تقویت شود تا بتواند با کارآمدی، سازگاری و عدالت قوانین را تنفیذ کرده و به این وسیله استقرار حاکمیت قانون را برقرار و برای شهروندان ابزاری جهت حل و فصل دعاوی و شکایات فراهم سازد
 ۴. ایجاد ساز و کارهای نوآورانه، مانند روش های نوین برای حل منازعات، تأمین مشارکت بیشتر سازمان های غیردولتی و سایر ترتیبات نهادی جدید
 ۵. شفاف سازی قوانین پیش بینی سازوکارهای نظارت قانونی مردم محور
 ۶. ارتقای نظام قانونی پاسخگویی مسئولان و مدیران شهری
- پیش بینی مولفه های حکمرانی خوب در سطح کلان سیاست های شهری

مراجع

منابع فارسی:

اول: کتب

۱. امیریار احمدی، محمود. به سوی شهرسازی انسانگرا. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. تهران، ۱۳۷۸
۲. اکبری، غضنفر، سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵-۲۴، ۱۳۸۶
۳. برنل، پیتر و رندال، ویکی مسائل جهان سوم؛ سیاست در جهان در حال توسعه، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، تهران: قومس ۱۳۸۹.
۴. برک پور، ناصر، و ایرج اسدی، مدیریت و حکمرانی شهری، انتشارات دانشگاه هنر. ۱۳۸۸.
۵. بشیریه، حسین جامعه شناسی سیاسی، چاپ دهم، نشر نی تهران. ۱۳۸۳
۶. سعیدنیا، احمد، مدیریت شهری، جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداری کشور، تهران، ۱۳۸۳
۷. سردارنیا خلیل الله، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۹۰
۸. علویتبار، علیرضا. بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایرانی). انتشارات سازمان شهرداریهای کشور. تهران، ۱۳۷۹
۹. قلی پور. رحمت الله حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، دفتر گسترش تولید علم. (۱۳۸۷)
۱۰. کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید، «امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها»، جلد های سوم و چهارم، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران، ۱۳۸۳
۱۱. کامیار، غلامرضا. حقوق شهری و شهرسازی. چاپ سوم مجمع علمی و فرهنگی مجد. تهران، ۱۳۷۹
۱۲. کریمی علی و پارسا ندا، تبیین نظری حکمرانی خوب شهری، مجموعه مقالات همایش علمی حکمرانی خوب شهری، جلد اول، انتشارات تیس، تهران ۱۳۹۱.
۱۳. طوسی، محمد علی مشارکت در مدیریت و مالکیت. انتشارات سازمان مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۹۲
۱۴. لطفعلی، غلامرضا، مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران، ۱۳۸۶
۱۵. میدری احمد و و خیرخواهان جعفر، حکمرانی خوب، بنیاد توسعه دفتر بررسی های اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳
۱۶. مقیمی، سید محمد، اداره امور حکومت های محلی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲
۱۷. نقیبی فرد، حسام، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، انتشارات شهر دانش. تهران، ۱۳۸۹.

دوم) مقالات و پایان نامه ها

۱. آخوندی عباس و دیگران حاکمیت شهری منطقه تهران، چالش ها و روندها، هنرهای زیبا، شماره ۲۹، ۱۳۸۶.
۲. الوانی، سید مهدی؛ افق های نو در مدیریت دولتی «، مدیریت دولتی، شماره ۵۰، ۱۳۷۹.
۳. اطهری، کمال؛ حاکمیت شایسته و ضرورت احیای جستارهای شهرسازی، حوزه عمومی سال ششم، .، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶
۴. اکبری، غضنفر؛ سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری. فصلنامه تحقیقات جغرافیائی. شماره ۸۳، ۱۳۸۵.
۵. ایمانی جاجرمی حسین؛ سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری، شماره ۷ مدیریت شهری ۱۳۸۰
۶. آراییی وحید، نظام پاسخگویی مطلوب در مدیریت دولتی با تأکید بر مدل حکمرانی خوب، دانش ارزیابی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۰.
۷. ایمانی جاجرمی، حسین، صدیق سروستانی، رحمت اله، فیروزآبادی، احمد، تحلیل مدل های حکمرانی شهری در انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۴، ۱۳۸۶
۸. برک پور، ناصر، حکمرانی خوب شهری و نظام اداره شهرها در ایران، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد، ۱۳۸۶
۹. بزرگی، فرزاد « اهداف فردی سازمانی و اجتماعی «، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۴۴ . ۱۳۸۳
۱۰. بحرینی، سید حسین ؛توسعه شهری پایدار: از فکر تا عمل. فصلنامه محیط شناسی، شماره بیست و هفتم ۱۳۸۰
۱۱. پاداش حمید، جهانشاهی، بابک و علی صادقین « مؤلفه ها و شاخصهای حکمرانی شهری «فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۰، ۱۳۸۶.
۱۲. پورعزت علی اصغر، و طاهری عطار غزاله کاربست حکمرانی خوب برای ملت سازی در پرتو مطالعات میان رشته ای، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره سوم، شماره ۱، ۱۳۸۹
۱۳. پورغلام هادی، مدیریت و توسعه پایدار شهری، ارائه شده در هشتمین هم اندیشی معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهری پایدار، مشهد ۵ دی ماه ۱۳۹۲
۱۴. تقوایی علی اکبر تاجدار رسول، درآمدی بر حکمرانی خوب شهری در رویکردی تحلیلی، مدیریت شهری شماره ۲۳، ۱۳۸۸.
۱۵. جهان شاهی، محمد حسین؛ حاکمیت شایسته، حکمرانی شهری، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶
۱۶. جاسبی. جواد، نفری. ندا، طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸
۱۷. حبیب زاده توکل ، سیفی حافظه، تأثیر حکمرانی مطلوب بر اجرایی شدن حق بر توسعه با تأکید بر بعد ملی، فصلنامه دیدگاه های قضایی، شماره ۶۲، ۱۳۹۲
۱۸. حسینی، علی، تأثیر متقابل حکمرانی مناسب و سازوکارهای نظارت بر ساخت و سازهای شهری، نشریه فن و هنر، سال سیزدهم زمستان شماره ۲۵، ۱۳۸۸
۱۹. حکمت نیا، حسن. موسوی، میر نجف ، «کاربرد جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و منطقه ای»، انتشارات نوین یزد، ۱۳۸۵
۲۰. ذکاوت، کامران. جایگاه طراحی شهری در نظام برنامه ریزی توسعه شهری. نشریه شهر نگار، شماره ۱۱، ۱۳۸۹

۲۱. تقوایی، علی اکبر، و ، تاجداروحید درآمدی بر حکمرانی خوب شهری در رویکردی تحلیلی. فصلنامه مدیریت شهری شماره، ۲۳، ۱۳۸۸.
۲۲. ترابی علیرضا، مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب، فصلنامه شهرداری ها شماره ۶۹، ۱۳۸۳.
۲۳. دباغ سروش ، نفری ندا ، تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۲۴. رزمجویی، بهمن، راهبردهای مشارکت مردمی در طرحهای شهری. همایش مسائل شهرسازی ایران. شیراز. ۱۳۸۲.
۲۵. رستگار سید حامد ، محملی حمیدرضا، حکمرانی خوب شهری ابزاری برای تغییر کارکرد شهرداریها، ارائه شده در همایش: (نقش و جایگاه مدیریت محله و شوراییها در ارتقای مشارکت اجتماعی، تهران - اداره کل مطالعات اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران - ۲۹ آبان سال ۱۳۸۹، مجموعه مقالات منتشره در سایت: www.civilica.ir
۲۶. رفیع زاده بقرآباد علاءالدین، پاسخگویی؛ ابزارها و استانداردها: ماهنامه تدبیر-سال پانزدهم-شماره ۱۴۶ ۱۳۸۶،
۲۷. زیاری کرامت اله ، نیک پی وحید ، حسینی علی ، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری، فصلنامه مسکن و محیط روستا ، سال سی و دوم، شماره ۱۴۱، ۱۳۹۰.
۲۸. زیاری کرامت اله ، وحید نیک پی، علی حسینی ، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، بهار ۱۳۹۲.
۲۹. سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون، محسنی، فضیلت، تحلیل تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا(ASEAN) ، پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم، پائیز، ۱۳۹۰،
۳۰. سردارنیا، خلیل، اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، فصل نامه سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۳۸۸، ۲۵۹،
۳۱. شاکری، حمید، حکمرانی خوب شهری، توسعه پایدار و نگاه اجمالی به حکمرانی شهری در ایران، کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، فروردین ۱۳۹۳.
۳۲. شریف زاده؛ فتاح قلی پور رحمت اله، حکمرانی خوب و نقش دولت، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱، شماره ۱۳۸۲، ۲،
۳۳. شریفیان ثانی، مریم، مشارکت شهروندی حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، ۱۳۸۰.
۳۴. شیروانی علیرضا، راهکارهای حرکت از مدیریت دولتی نوین (NPM) به طرف حکمرانی خوب، پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت، تهران - گروه پژوهشی آریانا - ۲۹ آذر سال ۱۳۸۶، مجموعه مقالات منتشره در سایت: www.civilica.ir
۳۵. شهیدی، محمد حسین، شهرسازی، حمل و نقل و حکمرانی شهری، جستارهای شهرسازی، شماره ۲۰، ۱۳۸۶.
۳۶. صالحی اسماعیل، اجلاس ۲۰۰۲ سال کشورها در ژوهانسبورگ و اهمیت آن در مدیریت شهری، فصلنامه شهرداری ها، شماره ۳۵، ۱۳۸۱.
۳۷. صرافى مظفر و عبدالهی مجید، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین و مقررات مدیریت شهری، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳، ۱۳۸۷.
۳۸. صدیقی محمد جواد.، سمیه، الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی، چهارمین همایش ملی اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، پاییز ۱۳۹۱.
۳۹. صدیقی ، سمیه ، بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در کشورهای در معرض مخاطره نفرین منابع، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۲،

۴۰. صرافی، مظفر و دیگران مفهوم، مبانی و چالش های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۶۸- ۱۳۷۹
۴۱. صالحی اسماعیل، نقش ضوابط و مقررات شهرسازی در تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی شهر تهران، محیط شناسی، سال ۳۲، شماره ۴۰، ۱۳۸۵
۴۲. غلام حسینی، رحیم، احد نژاد روشنی، محسن، نقش و اهمیت مدیریت شهری در ارتقای حقوق شهروندی، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی عمران معماری و توسعه پایدار شهری، تبریز، ۱۳۹۲
۴۳. غفاری نسب، اسفندیار، نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۱
۴۴. فرزین پاک، شهرزاد، «از آموختنی های شهر: حکمرانی خوب چیست؟» شهرداریها، سال ششم، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۳
۴۵. قلی پور، رحمت الله، تحلیل وامکان سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت، دانش مدیریت شماره ۶۷، ۱۳۸۸
۴۶. قنبری، علی، توسعه اقتصادی و توسعه انسانی، چاپ اول، نشر چالش تهران. ۱۳۹۱
۴۷. کمالی، یحیی، حکمرانی خوب چیست؟، نشریه تدبیر، شماره ۲۰۶، تیر ۱۳۸۸،
۴۸. کریمی مله، علی، تاملی نظری در نسبت حکمرانی خوب و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱
۴۹. کاظمیان، غلامرضا آمدی بر الگوی حکمرانی شهری. فصلنامه جستارهای شهرسازی. شماره ۲۰ - ۱۹. بهار ۱۳۸۶،
۵۰. کاظمی محمدی سیدمهدی موسی، توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاهها، تحقیقات جغرافیایی: پاییز، دوره ۱۶، شماره ۳، ۱۳۸۹
۵۱. کردستانی، غلامرضا «پاسخگویی در بخش عمومی و اطلاعات حسابداری»، سال نهم، شماره ۳۹، ۱۳۸۶،
۵۲. لطفی، حیدر، عدالتخواه، فرید، میرزایی، مینو، وزیر پور، شب بو، مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره اول، ۱۳۸۸،
۵۳. لاله پور، منیژه، حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه ی جستارهای شهرسازی. شماره ۲۰ - ۱۹. بهار ۱۳۹۰.
۵۴. لاله پور منیژه، حکمرانی شهری در چارچوب سیاستگذاری شهرهای بزرگ، شهرداریها سال ششم دی شماره ۷۵، ۱۳۸۵،
۵۵. میدری احمد، «تغییر در سیاست های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب» نامه مفید، ش ۴۷، ۱۳۸۵
۵۶. میدری، احمد، مقدمه ای بر نظریه حکمرانی خوب، فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و دو، ۱۳۸۵،
۵۷. مویدی، محمد، نقش شاخصهای حکمرانی شهری در حرکت به سوی توسعه پایدار شهری. مشهد: مرکز پژوهشهای شورای اسلامی شهر مشهد. ۱۳۹۲
۵۸. نظریان علی اصغر، رحیمی محمد، تحلیل الگوی مدیریتی شهر تهران، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، سال چهل و چهارم، شماره ۸۱، پاییز ۱۳۹۱،
۵۹. هداوند، مهدی، حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۴، ۱۳۸۴
۶۰. یاپنگ غراوی، بای محمد... نگاهی به مفهوم حکمرانی شهری: هدفها، مدلهای و شاخصهای آن. ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۸۹، ۱۳۹۱

دوم: منابع انگلیسی:

۱. Hall, Peter, toward sustainable livable and innovative cities for 21st, presented in proceeding of the third conference of the world capitals, Tokyo, 1993, available in:
http://www.utsc.utoronto.ca/~sorensen/Publications_files/TowardsSustainableCitiesCh1Ch12.PDF. (last visited, feb 2015)

۲. Mokomo, S., on sustainable urban development in sub-saharan Africa, journal of cities vol 13, no 40, 1996, (UN-HABITAT, urban governance index (ugi) a tool to measure progress in achieving good urban governance, available at: unhabitat.org).

۳. Abdellatif, M., Good Governance and Its Relationship to Democracy and Economic Development, Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity Seoul 20-31 May 2003.

۴. Stolper, A.M., Walker, C.S. and Marczak J. "Rule of Law, Economic Growth and Prosperity", Report of the Rule of Law Working Group, American Society and Council of the America. New York. 2006

۵. United Nations Development Programme, Governance for sustainable growth and equity report of international conference, United Nations, New York, 28 – 30 July 1999 p: 78. Governance

۶. UN United Nations Human Settlements Programme 2002, AVAILABLE AT: [Www.Un-Ngls.Org/Spip.php?page=article_s&id_article=819](http://www.un-ngls.org/spip.php?page=article_s&id_article=819)

۷. United Nations Development Program. Governance for Sustainable Human Development, New York: Oxford University Press. 1997